اخبار

ارزش‌های دفاع‌مقدس بهترین منبع الهام شاعران جوان است

مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری با ابراز خرسندی از برگزاری کنگره شعر کتاب دفاع‌مقدس، گفت: شاعران جوان می‌توانند با خوانش کتاب‌های ارزشمند این حوزه، آثاری فاخر تولید کنند. به گزارش مهر، مرتضی سرهنگی، برگزاری این کنگره شعر با محوریت کتاب‌های منتشر شده در حوزه دفاع‌مقدس را اقدامی ارزشمند برای پاسداشت دلاوری‌های رزمندگان اسلام برای دفاع از میهن دانست و گفت: این کنگره با ارائه کتابی ارزشمند در حوزه دفاع‌مقدس، ارزش‌های ناب دوران دفاع‌مقدس را با همه رنج‌ها و امیدهایش پیش روی شاعران جوان ما می‌گذارد، تا ضمن ایجاد آشنایی بیشتر با این ارزش‌ها، الهام‌بخش این عزیزان برای سرایش اشعاری فاخر در این حوزه باشد. وی افزود: در سال ۶۰ که خرمشهر و آبادان در اختیار دشمن بود، با شاعرانی چون قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی و پرویز بیگی‌حبیب‌آبادی سفرهای متعددی را به مناطق جنوب داشتیم. حضور شاعران باعث می‌شد بارقه‌های تولد اشعاری فاخر در ذهن آنها رقم بخورد به طوری که شعر معروف «یاران چه غریبانه» سروده آقای بیگی‌حبیب‌آبادی نیز از قدم زدن در همین مناطق جنگی شکل شد. بر همین اساس شاعران نسل جوان می‌توانند با خوانش کتاب‌های ارزشمند این حوزه و قدم زدن در حال و هوای دوران دفاع‌مقدس، آثاری فاخر تولید کنند. مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری با اشاره به تأکیدات و توجه مقام معظم رهبری به آثار ارزشمند حوزه دفاع‌مقدس، گفت: برگزاری این کنگره که از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور انجام شده، حرکتی برای برآورده کردن بخشی از انتظارات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که از سویی به گسترش فعالیت‌های کتاب‌محور و از سوی دیگر به ترویج فرهنگ و ارزش‌های دفاع‌مقدس می‌پردازد.

■■■

ترجیح بازی در فیلم‌های اکشن به جای آثار کافی‌شاپی!

علیرام نورایی گفت: همواره بازی در آثار متفاوت را می‌پذیرم. کمتر برای بازی در آثار کمدی و اجتماعی از من دعوت شده و شاید این کم‌کاری در چنین آثاری دوطرفه باشد، چون خود من هم علاقه به حضور در فیلم‌های متفاوت تاریخی و اکشن را دارم. به گزارش میزان، بازیگر فیلم «قلاده‌های طلا» درباره دلیل انتخاب آثاری با مضمون تاریخ معاصر گفت: همواره بازی در آثار متفاوت را می‌پذیرم. البته کمتر برای بازی در آثار کمدی و اجتماعی از من دعوت شده و شاید این کم‌کاری در چنین آثاری دوطرفه باشد، چون خود من هم علاقه‌ای به حضور در فیلم‌های کمدی این روزهای سینما ندارم. نورایی با تاکید بر علاقه خود بر حضور در آثار حادثه‌ای خاطرنشان کرد: بازی در فیلم‌های اکشن و رزمی را بیشتر از اینکه در کافی‌شاپ بنشینم و قهوه بخورم و فیلمی همزمان از من گرفته شود دوست دارم. علاقه دارم در آثاری بازی کنم که اتفاقات مهم‌تری را به عنوان دغدغه با مخاطب در میان بگذارد.

سینمای جهان

تصمیم فوری اسکار برای یک رسوایی اخلاقی

هاروی واینستین، تهیه‌کننده رسوای هالیوودی از آکادمی علوم و هنرهای سینما اخراج شد. به گزارش خبرآنلاین، آکادمی علوم و هنرهای سینما، نهاد برگزارکننده مراسم اسکار، پس از برگزار کردن نشستی فوری، هاروی واینستین را بیرون کرد. اخراج یکی از اعضای آکادمی در تاریخ ۹۰ ساله آن تنها یک بار دیگر روی داده است. در آن مورد «کارمین کاریدی» بازیگر ۸۳ ساله برای زیر پا گذاشتن قانون آکادمی در به اشتراک گذاشتن فیلم‌هایی که در اختیار اعضا قرار می‌گیرد، اخراج شد اما تاکنون هیچ عضوی برای ارتکاب به جرم یا رفتار غیراخلاقی اخراج نشده بود. حتی چهره‌هایی چون رومن پولانسکی، بیل کازبی و مل گیبسون نیز به‌رغم جنجال‌های بسیاری که با کارهای‌شان به پا کردند از آکادمی اخراج نشدند. در بیانیه آکادمی آمده است: «ما با اخراج هاروی واینستین علاوه بر برائت جستن از فردی که برای همکارانش احترام و ارزش قائل نیست اعلام می‌کنیم دورانی که عامدانه خودمان را به جهالت بزنیم و از روی شرم رفتارهای این چنین را در محل کار نادیده بگیریم به پایان رسیده است». هاروی واینستین ۶۵ ساله در چند وقت گذشته با اتهامات بسیاری روبه‌رو شده است. بیش از ۱۰ زن او را به آزار جنسی و ۳ تن او را به تجاوز متهم کرده‌اند. مدیر سرشناس هالیوودی برای رفتارهایش که باعث رنجش و آزار دیگران شده، عذرخواهی کرده اما در عین حال تمام اتهامات مربوط به تجاوز را رد کرده است.

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با قاسم صرافان، شاعر اهل بیت(ع)

مقتل هم باید هنرمندانه روایت شود

«سرنوشت»ام را با افتخار به شهید حججی تقدیم کردم

محسن شهمیرزادی: قاسم صرافان از جمله شاعران آیینی است که در عین لطافت شاعرانه، بر کرسی استاد دانشگاهی نیز تکیه زده است. صرافان مجموعه شعرهای آیینی، عاشقانه و اجتماعی را در کارنامه خود دارد که تعداد بسیاری از آنها در قالب قطعات موسیقی نیز منتشر شده است. «از آهو تا کبوتر»، «مولای گندمگون»، «هـ دوچشم»، «حیدرانه»، «اتفاق» و «خط» از جمله آثار منتشر شده صرافان هستند. این شاعر آخرین مجموعه شعری عاشورایی خود را با تقدیم به محسن حججی به نام «سرنوشت» منتشر کرده است. به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

***

■ نام شما ذیل بسیاری از اشعار برجسته و روی قطعه‌های موسیقی فراوانی درج شده است اما مخاطبان کمتر از زندگی قاسم صرافان می‌دانند. از شما می‌خواهیم قاسم صرافان را معرفی کنید.

پنجم دی‌ماه سال ۵۵ در شهر آبادان متولد شدم و تا ۴ سالگی یعنی شروع جنگ آنجا زندگی کردم، ولی از آن سال به بعد به شهر پدری یعنی کازرون مهاجرت کردیم البته در شناسنامه‌ام محل تولد کازرون است و تقدیر هم چنین بود که اهل آنجا باشم. بعد از آن در سال ۷۴ به واسطه قبولی در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه اصفهان به این شهر رفتم و برای ۱۵ سال یعنی تا سال ۹۰ میهمان گنبدهای فیروزه‌ای و گردشگر کناره‌های زنده‌رود بودم. کارشناسی ارشد را هم در همان رشته و همان دانشگاه گذراندم و پس از اتمام تحصیلات، به عنوان عضو هیأت علمی مشغول تدریس در دانشگاه شدم. از سال ۹۰ ساکن تهرانم و فعالیت‌هایم بیشتر در حوزه شعر و سرایش ترانه، متمرکز است.

■ جرقه‌ای در زندگی هر فرد وجود دارد که بعد از آن ادامه راه خودش را پیدا می‌کند. جرقه ذوق شعری شما و به تبع آن شاعر آیینی شدن چگونه پدید آمد؟

خدا رحمت کند پدر بزرگم را، طبع شعر داشت و این ویژگی را همراه اسمش برایم به ارث گذاشت. در دوره راهنمایی، زمانی که نوجوانی ۱۴-۱۳ ساله بودم متوجه شدم که می‌توانم با رعایت وزن و قافیه شعر بسرایم البته در ابتدا بیشتر اشعار بزرگان را دستکاری و با تغییر کلمات آنها را تبدیل به شعر طنز می‌کردم که با استقبال زیاد بچه‌های کلاس روبه‌رو می‌شد یا در دوره دبیرستان به دلیل اقتضائات سنی و شیطنت‌های خاص این دوره، بعضی از مواقع که از کلاس درس اخراج می‌شدم، شعر وسیله‌ای می‌شد برای به‌دست آوردن دل معلم‌ها و ورود دوباره به کلاس. خاطرم هست در این دوره یک‌بار از کلاس درس ادبیات اخراج شدم و با سرودن یک شعر در توجیه شیطنت‌هایم و تقدیم آن به همراه یک شاخه گل به دبیر ادبیات، مجوز ورود به کلاس را گرفتم. ۲ بیت ابتدایی آن شعر اگر اشتباه نکنم این بود:

از جوانی همچو من کردار پیران برنیاید/ آنچه از یک شعله برخیزد، ز خاکستر نیاید

نیست خاموشی سزاوار چو من آتشفشانی/ مرده‌ام گر آتش سوزنده‌ام از سر نیاید...

دبیر ادبیات از این شعر بسیار استقبال کرد و تقریبا یک ساعت از وقت کلاس را به شرح و تفسیر آن اختصاص داد. اما جرقه اصلی در شروع جدی شاعری‌ام به سال‌ها بعد بازمی‌گردد، یعنی بعد از ۶ سال شعر نگفتن در طول دوران دانشجویی. در دانشگاه فعالیت‌های ادبی متعددی وجود داشت، ولی در این دوره من از نظر درونی به یک نقطه خاص رسیده بودم و احساس می‌کردم که در این برهه، معرفت، معلومات و پختگی اندیشه‌ام، جوابگوی سرایش شعر با مضامین متعالی نیست. بدون تعارف با خودم پی بردم با آن اطلاعات و معلومات نمی‌توانم مضامین و تصاویر را آنگونه با احساس و زبان به هم پیوند بزنم که شعرم تبدیل به اثری روشن، قوی و امیدبخش شود. به همین دلیل تصمیم گرفتم مدت زمانی را در سکوت بگذرانم و بیشتر مطالعه کنم و در کنار آن نگاه عاشقانه‌ام را به عالم هستی تقویت کنم.

■ اگر بخواهیم درباره کارهای خودتان صحبت کنیم، مهم‌ترین سوال من این است که یک شاعر چطور می‌تواند هم شعر عاشقانه، هم شعر مذهبی و هم ترانه بگوید و از سوی دیگر با مداح‌ها و خواننده‌های پاپ و گروه‌های سرود همکاری کند. این دامنه گسترده فعالیت، جالب و یک مقدار عجیب است.

نمی‌دانم چرا باید از این مسأله تعجب کرد؟ اتفاقا به نظر من تک‌بعدی بودن یک شاعر بیشتر مایه تعجب است. ما در زندگی روزانه خودمان به هیأت می‌رویم، سینما و پارک و ورزشگاه می‌رویم، عاشق می‌شویم یا با دوستان و خانواده می‌گوییم و می‌خندیم. پس چرا شعرهای ما باید فقط یک نوع مضمون داشته باشند؟ وقتی شعر، جوششی از درون شاعر و بازتاب غیرمتظاهرانه‌ای از زندگی و احساس اوست، چرا باید تک‌بعدی باشد؟ واقعا چرا شاعری که شعر مذهبی می‌گوید باید چشمش را روی زیبایی‌های دیگر هستی یا دغدغه‌های دیگر مردم ببندد یا چرا شاعری که مثلا شعر اجتماعی سیاه می‌گوید، هیچ شعر امیدبخشی ندارد؟ آیا این یک تظاهر مذهبی یا مدگرایی روشنفکرانه نیست؟ من به عنوان یک آدم مذهبی، تمام ساعات زندگی‌ام را در مسجد و هیأت نمی‌گذرانم و زیبایی را در بخش‌های دیگر زندگی هم می‌بینم. این زیبایی، من هنرمند را به دنبال خودش می‌کشاند و برای آن می‌نویسم و می‌سرایم. من هم زیبایی را در قاب بی‌نظیر عاشورا و در کلام حضرت زینب(س) می‌بینم که فرمودند: «ما رأیت الا جمیلا» و هم زیبایی را در مهر مادری می‌بینم. گاهی در عشق جوانان به خاک و وطن خودشان آن را می‌بینم و گاهی هم زیبایی‌ها و ظرافت‌های عاشقانه را تجربه می‌کنم و در سروده‌هایم منعکس می‌شود. گاهی اوقات برخی می‌گویند که فقط شعر مذهبی گفتن خوب و مثبت است در حالی که این اتفاق محدودکردن طبع است. انسان با این روند خودش را از زیبایی‌ها و ابعاد دیگر زندگی محروم می‌کند. همین نگرش باعث شد علاوه بر انتشار چند مجموعه شعر آیینی، ۲ مجموعه عاشقانه «هـ دوچشم» و «اتفاق» را هم چاپ کردم که خوشبختانه مورد توجه مخاطبان هم قرار گرفت.

> **واقعا چرا شاعری که شعر مذهبی می‌گوید باید چشمش را روی زیبایی‌های دیگر هستی یا دغدغه‌های دیگر مردم ببندد یا چرا شاعری که مثلا شعر اجتماعی سیاه می‌گوید، هیچ شعر امیدبخشی ندارد؟**

■ مدتی است که اشعار اجتماعی شما نیز برجسته شده و به‌واسطه آن قطعات موسیقی نیز تولید شده است. در این نوع ادبیات برخی معتقدند شعر گفتن برای واقعه‌ای امروزی آن را دارای تاریخ‌مصرف خواهد کرد. تا چه حد این گزاره را می‌پذیرید؟

نمونه‌های بسیاری وجود دارد که این گزاره را نقض می‌کند. به طور مثال یکی از ماندگارترین سرودهای انقلابی قطعه «هوا دلپذیر شد» است که برای یک واقعه عینی و خاص یعنی ترور پاتریس لومومبا سروده شد اما این شعر تا همین الان نیز در ذهن مخاطبان و دریچه رسانه‌ها ماندگار باقی مانده است. به نظر من، اگر عناصر ماندگاری یک شعر یا متن ادبی رعایت شود، این گزاره که شعر عینی و ملموس سروده شده یا انتزاعی و در فضای مبهم و کلی خیلی اهمیت پیدا نمی‌کند. عناصری مانند سهل و ممتنع بودن، قابلیت تعمیم‌پذیری، جذابیت اولیه در عین داشتن لایه‌های متعدد و عمیق معنایی از جمله این عناصر هستند که با رعایت آنها یک شعر فارغ از زمان و مکان خود می‌تواند ماندگار شود. شعر می‌تواند عاشقانه، اجتماعی یا هر نوع دیگری باشد، اما بالقوه نه‌تنها می‌تواند ماندگار شود بلکه آن رخداد عینی را نیز ماندگار می‌کند. این قدرت هنر و شعر است و به قول بزرگان اندیشه‌ای که در قالب هنر نگنجد، ماندگار نیست. من معتقدم هر کاری را می‌توان در حوزه هنر انجام داد، به شرطی که بیان آن هنرمندانه باشد. البته نمی‌توان پیرامون ماندگاری یک اثر هنری ولو با آگاهی به فرمول‌ها قضاوت کرد، گذر زمان مشخص می‌کند که اثری ماندگار خواهد بود یا خیر. من هم در اشعار اجتماعی خودم سعی می‌کنم به‌گونه‌ای شعر اجتماعی بگویم که ذهن و زاویه نسل‌های بعدی نیز در آن لحاظ شود و به‌گونه‌ای عمومیت پیدا کند که مخاطبان مختلف از نسل‌ها و جغرافیاهای متفاوت بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و قابلیت تعمیم در موضوعات و زمان‌های متفاوتی نیز داشته باشد. البته این مساله نباید خیلی ذهن شاعر را درگیر کند. او رسالت و وظیفه‌ای نسبت به دردهای موجود و امروزی جامعه دارد که باید آنها را بیان کند، ولو آنکه این حرف‌های شاعر مسکن کوتاه‌مدتی باشد اما ضروری است شاعر اگر رویدادی در وجود او درد و جوششی را ایجاد می‌کند، آن را بیان کرده و به بهانه ماندگاری اثر، رسالت سرودن خود را زمین نگذارد. خیلی وقت‌ها جهد بسیار برای ماندگاری و عمومیت یافتن مطلب باعث می‌شود ضربه کار از آن گرفته شود و بعضا دیگر به موضوع مربوطه تعلق نداشته باشد. حد تعادلی است بین سرودن برای امروز و ماندگاری اثر که خود شاعر باید به آن برسد.

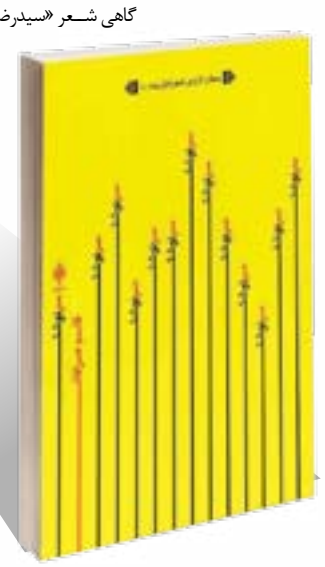

■ برویم سراغ کتاب «سرنوشت»، تعداد زیادی از اشعار این کتاب صراحتاً مقتل و روضه‌های سنگین است که شاید مخاطب عام در حالت معمولی نتواند براحتی آن را هضم کند، آیا این نوع بیان عامدانه انتخاب شده است؟

تعداد اشعاری که بتوان «روضه سنگین» نامید اندک است و اگر بخواهیم به صورت درصدی بیان کنیم، حدود ۲۰ درصد کتاب را شامل می‌شود. خود من معتقدم در امور فرهنگی همواره تنوع را باید مدنظر داشت، مخاطبان ما یکدست نیستند و دارای حس و حال و زاویه دیدهای متفاوتی نسبت به عاشورا هستند که نمی‌توان یک نسخه خاصی را برای آنها تجویز کرد. کما آنکه یک نفر هم در زمان‌های مختلف حس و حال متفاوتی دارد. گاهی میل روضه دارید، گاهی میل شور و گاهی هم میل اندیشه و... به نظرم این تنوع لازم است. تاکیدی که بر اشک در مواجهه با وقایع عاشورا می‌شود بیش از سایر توصیه‌ها مورد توجه است. اصولا این اشک‌ها و احساسات عاطفی هستند که حرارت عاشورا را تا امروز گرم نگه داشته است البته به اشک می‌توان در حالات مختلفی دست پیدا کرد. گاهی روضه، گاهی عاطفه و گاهی حتی حماسه انسان را به مرتبه اشک ریختن می‌رساند. این کتاب هم تلفیقی از حوزه‌های مختلف است. به طور مثال شعر «حر من» روضه نیست اما من به شخصه نمی‌توانم هر بار بدون بغض این شعر را بخوانم. شعر حضرت زینب من حماسی است اما زمانی که در جلسات آن را قرائت می‌کنم، بارها با اشک‌های مستمعان مواجه می‌شوم. یک بخشی از اشک هم به ساحت روضه و مقاتل باز می‌گردد که مرز حساسی هم دارد. برخی دوستان جوان‌تر، گاهی جراحت‌ها و مقاتل را به شکلی غیرهنری، غیرقابل هضم و صریح بیان می‌کنند اما من گمان می‌کنم مقتل‌سرایی هم باید هنرمندانه بیان شود. من گاهی شعر «سیدرضا جعفری» برای حضرت قاسم را مثال می‌زنم که می‌گوید: «علی‌اکبر که جوشن داشت آن شد/ تو که جوشن نداری وای بر من» این بیت جزئیات روضه را بیان نمی‌کند اما پشت آن ذکر مصیبت سنگینی است که بسیار هنرمندانه هم بیان شده است. ما آمدیم با زبان شعر و هنر این مصائب را برای مردم بیان کنیم. هر مجلسی اقتضای خودش را دارد، من شعری را که در هیات می‌خوانم در سالن‌های آمفی‌تئاتر نمی‌خوانم. بی‌شک شعرهای انتخابی من در شب عاشورا با ایام غیر محرم تفاوت بسیاری دارد.

> **برخی دوستان جوان‌تر، گاهی جراحت‌ها و مقاتل را به شکلی غیرهنری، غیرقابل هضم و صریح بیان می‌کنند اما من گمان می‌کنم مقتل‌سرایی هم باید هنرمندانه بیان شود**

■ اشعار این کتاب عمدتا از زبان یکی از اهالی کاروان امام حسین(ع) به فرد دیگری بیان شده است اما در این میان نقش اصحاب امام را خیلی پررنگ نمی‌بینیم. آیا جای آن نبود از زبان اصحاب امام نیز اشعار بیشتری داشته باشیم؟

الان حداقل ۲ شعر یادم می‌آید که از زبان حضرت «حر» و «جون» بیان شده است و اگر بنی‌هاشم را هم به عنوان اصحاب حضرت مطرح کنیم، دامنه بیشتری را در بر می‌گیرد. اینکه از زبان چه کسی و خطاب به چه کسی شعر بگویم حالی است که در حین جوشش شعر می‌آید و فضای آن را فراهم می‌کند. شاید خودم خیلی نتوانم تصمیم بگیرم و انتخاب کنم از زبان چه کسی بگویم. اما این اواخر بسیار در این اندیشه هستم که از زبان و برای اصحاب اشعار بیشتری را بیان کنم و در حد توانم بتوانم حقی ولو کوچک نسبت به آنها ادا کنم. این بند که از زبان حضرت جون گفته شده شاید تا حد زیادی زبان حال همه اصحاب باشد.

«عشق من و تو زاده زهرا! شنیدنی است/ با یک کلاف هم، دل یوسف خریدنی است»

■ مجموعه «جهان تازه شعر اهل‌بیت» چه تفاوتی با سایر مجموعه‌ها و اشعار آیینی و مذهبی دارد؟

جهان تازه شعر اهل‌بیت، انتخاب ناشر- نشر جمهوری- است که چند سالی انتشار اشعار آیینی را با چنین عبارتی برای مجموعه آغاز کرد. قطعا از این جمله می‌توان برداشت کرد تلاش دارند هوای تازه‌ای را به فضای شعر اهل‌بیت وارد کنند. این به نوبه خود ارزشمند است. همین که ما به دنبال اتفاق تازه‌ای در این فضا می‌گردیم پسندیده است. ان‌شاءالله خداوند به نشر جمهوری و جناب اسدی و فرزندان‌شان خیر دهد که بستری فراهم کردند شاعران اهل‌بیت بتوانند اشعار خود را از این طریق منتشر کنند و مخاطبان نیز بتوانند به سهولت به این کتب دسترسی پیدا کنند. اما اینکه چه بسترسازی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی باید صورت بگیرد که با جهان تازه اهل‌بیت روبه‌رو شویم، خود انبوهی از پژوهش‌ها و گفت‌وگوها را می‌طلبد.

■ شما این کتاب را به شهید حججی تقدیم کردید و نام آن نیز بی‌ارتباط با این شهید نیست. چه ویژگی‌ای از محسن حججی باعث شد قاسم صرافان کتابش را به او تقدیم کند؟

شهید حججی، اتفاق خاص دنیای معاصر و زندگی پریشان ما بود. در دنیایی که ما را به سوی خودمحوری سوق می‌دهد و ما را از عاشورا که همه چیز را فدای عشق می‌کند، جدا کرده است. اتفاقی که برای محسن حججی رخ داد، مردم را هم به حال و هوای کربلایی کشاند و ثابت کرد آن توصیفات فقط در روایت‌ها و مقاتل نیست بلکه باید از میان همین هیات‌ها برخاست و تجسم «یالیتنی کنت معک» بود. این حسن اتفاق یعنی هنگامی که من به دنبال اسمی برای کتاب می‌گشتم و شهادت شهید حججی در همان موقع روی داد، باعث شد با افتخار این کتاب را به ایشان تقدیم کنم. شعری هم که برای ایشان گفتم، مثنوی‌ای بود به نام «سرنوشت» که با فضای عاشورایی و فدا شدن در راه معشوق سروده شده بود که همنام با کتاب است و در انتهای آن آمده است. خیلی امید دارم ان‌شاءالله شهید حججی نظری به لطف کنند به ما و عزیزانی که کتاب را می‌خوانند حال دل‌شان کربلایی شود. ما این اشعار را برای امام حسین(ع) می‌گوییم تا رنگ و بوی زندگی‌مان عاشورایی شود و بنا بر نظر بزرگان بسیار ضروری است در شعر اهل بیت در کنار نگریستن، گریستن را در راس امور بدانیم. شعر و اشک کمک می‌کند معارف به جان مخاطب بنشیند، نه اینکه فقط درباره‌اش فکر کنند بلکه با عمق وجود آن معارف را حس کنند و با گوشت و خون و زندگی‌شان آمیخته شود. اهمیت حضور شعرا در جایی است که بدانیم با صرف اندیشیدن نمی‌توان وارد میدان شد. از راه محبت است که بندگی، ارادت و شباهت ایجاد می‌شود. سعدی می‌گوید: «سعدی رضای دوست طلب کن نه حظ خویش/ عبد آن کند که رای خداوندگار اوست». این ارادت‌هایی که ما به اهل بیت داریم، مقدمه‌ای است برای آنکه به اهل‌بیت شباهت پیدا کنیم و شاید به همین دلیل است که شعر اهل‌بیت تا این میزان جدی محسوب می‌شود، هم از نگاه اهل‌بیت و هم از نظر مخاطبان. من بسیار به شعر اهل بیت از نظر زبان و حال و تصویرسازی و اندیشه امید دارم و امیدوارم این حس و حال‌ها دل، سخن و کردار ما را به اهل‌بیت نزدیک کند تا به سمت یک جامعه پر از انوار اهل بیت که مظهر تمام حسن‌های عالم هستند حرکت کنیم.

رویدادها

«سپاه پاسداران» موضوع جدیدترین نقاشی روح‌الامین

پس از حملات رئیس‌جمهور آمریکا به سپاه پاسداران و حامی تروریسم خواندن آن، حسن روح‌الامین جدیدترین نقاشی خود را به حمایت از این نهاد انقلابی اختصاص داده است. به گزارش فارس، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا جمعه ۲۱ مهرماه در کاخ سفید، استراتژی جدید کشورش در قبال ایران و توافق هسته‌ای را اعلام کرد. وی در بخشی از سخنان گستاخانه خود، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را حامی تروریسم خواند و از اعمال تحریم‌های سخت علیه آن خبر داد. این اظهارات با واکنش‌های مردم و هنرمندان مواجه شد که جدیدترین واکنش‌ها از قلم‌موی «حسن روح‌الامین» جاری شده است. این هنرمند خوش‌ذوق کشورمان درباره اثر «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» گفت: این اثر با تکنیک آبرنگ روی مقوا در قطع A4 خلق شده است و برای ترسیم آن ۲ روز زمان گذاشته‌ام.

■■■

مشکل «رستاخیز» فراتر از گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای است

احمدرضا درویش در برنامه «چهل‌چراغ» درباره هنر عاشورایی و فراز و فرودهای فیلم «رستاخیز» گفت: مشکل «رستاخیز» فراتر از گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای است. به گزارش ایسنا، کارگردان فیلم «رستاخیز» بحث پرداخت خسارت مالی به سازندگان این فیلم را ناشی از تلاش‌های وزیر پیشین و جدید ارشاد دانست و گفت: «تلاش‌هایی شد تا بخشی از تعهدات تهیه‌کننده ایرانی فیلم از طریق روش حقوقی جبران شود اما درباره نمایش فیلم نه تنها به تصمیمی نرسیدند بلکه رسما اعلام کردند نمایش داخلی فیلم امکانپذیر نیست اما نمایش خارجی فیلم «رستاخیز» می‌تواند انجام شود که این مساله هم پرسش‌های زیادی را به دنبال دارد. من اقدامات و تلاش دوستان جدید ارشاد را تقدیر می‌کنم اما مساله این است که مشکل «رستاخیز» فراتر از گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای است. آن چیزی که راجع به ارقام خسارت گفته می‌شود چندان اساس محکمی ندارد و آنچه سازندگان فیلم انجام دادند از حیث تهیه‌کنندگی و سرمایه‌گذاری واقعا مجاهدت بوده است.

■■■

برپایی همایش مدیران مراکز استانی بسیج صداوسیما

همایش مدیران مراکز استانی بسیج صداوسیما با حضور مسؤولان ارشد بسیج و رسانه ملی از ۲۵ تا ۲۷ مهرماه برگزار می‌شود. به گزارش مهر، در این همایش که افتتاحیه آن روز چهارشنبه ۲۶ مهر برگزار خواهد شد، فرماندهان بسیج مراکز استان صداوسیما به هفکری و هم‌اندیشی درباره آینده کاری بسیج صداوسیما و پایگاه‌های آن در استان‌های مختلف خواهند پرداخت. سردار غیب‌پرور رئیس سازمان بسیج مستضعفان، علی دارابی معاون استان‌های صداوسیما، حجت‌الاسلام محرابی معاون فرهنگی بسیج، حجت‌الاسلام موسوی‌مقدم قائم‌مقام ریاست سازمان و علی فروغی رئیس مرکز بسیج صداوسیما از جمله میهمانان و سخنرانان این همایش خواهند بود. این همایش در پی افزایش فعالیت‌های مرکز بسیج صداوسیما و با هدف بررسی ظرفیت‌های پایگاه‌های بسیج مراکز استان‌های مختلف برگزار می‌شود. مراسم اختتامیه همایش هم‌اندیشی مدیران استانی مراکز بسیج صداوسیما روز پنجشنبه ۲۷ مهرماه برگزار خواهد شد.

■■■

«دورهمی» و «خندوانه» کی به تلویزیون بازمی‌گردند؟

محمد احسانی درباره زمان پخش برنامه «خندوانه» و سایر برنامه‌های شبکه نسیم توضیحاتی ارائه داد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، محمد احسانی، مدیر شبکه نسیم درباره روند تولید و پخش برنامه تلویزیونی «خندوانه» گفت: پیشنهاد عوامل «خندوانه» پخش از عید نوروز است اما ما به آنها آمادگی برای دهه فجر یا زودتر از آن را اعلام کرده‌ایم. در واقع پخش برنامه «خندوانه» بستگی به تولید برنامه‌های دیگر شبکه نسیم مانند برنامه «دورهمی» دارد. او در ادامه درباره پخش برنامه مهران مدیری و سرانجام پخش آن از شبکه نسیم بیان کرد: بعد از محرم و صفر برنامه مهران مدیری با همان شاکله اصلی روی آنتن می‌رود. فصل جدید «دورهمی» با همان سبک و سیاق اما با تغییراتی در عوامل تهیه و تولید، دکور یا... تولید می‌شود.